

# دکتر محمد مصدق



در دادگاه  
و جیب بند و خط  
خطا

به کوشش جلیل بزرگمهر

آری سالک من در گام بزرگ و سید بزرگ من این است



## از آخرین دفاع دکتر مصدق در دادگاه تجدید نظر نظامی

— شاه فقید را انگلیسها در ایران شاه کردند.

— این شاه یا عظمت و اقتدار را با دو مذاکره در B.B.C لندن در شهریور ۲۰ از ایران بردند. او شاه ایران نبود. اگر شاه ایران بود می گفت: «میان ملت منم و نمی روم».

— از دوره ۵ تقنیه مجلس شورای ملی مخلوق او بود شاه فقید می گفت: ۱۵۰ هزار سر نیزه دارم (قشون اش را می گفت) وقتی که گفتند برو! از این ۱۵۰ هزار سر نیزه یکی به حمایت او برخاست. در مجلس شورا هم گفتند: العتیر فیما وقع.

— این پادشاه قبل از اینکه سرکار بیاید دیناری نداشت وقتی که از مملکت رفت غیر از پولهایی که در بانک لندن داشت ۵۸ میلیون تومان پول بدست پادشاه فعلی داد. پنج هزار و شصت رقیه از املاک مردم را بدون آنکه کسی اعلان نیت آن را در جرأید بیند بر طبق اوراق نسبتی به ملکیت خود در آورد. او شاه ما نبود.

— من به انتقام اینکه یک ایرانی را از اسیران تبعید کردند انگلیسها را از ایران بیرون کردم تا بروند در جزیره خود به فکر فرو روند و بدانند که با یک ملت زنده ای طرف اند.

خطاب به مجسمه رضاشاه:

«تعظیم می کنم به مجسمه رضاشاه فقید که او را انگلیسها آوردند و ۳۲ سال نقت را تمدید کرد».

و خطاب به مجسمه محمدرضاشاه:

«تعظیم می کنم به مجسمه محمدرضاشاه پهلوی که فرمان عزل مرا داد و انگلیسها را آورد».

دکتر محمد مصدق

در

دادگاه

تجدید نظر نظامی

به کوشش  
خلیل یوزگمه‌پر



YADINHA  
YADINHA  
YADINHA  
YADINHA



---

نام کتاب : دکتر محمد محمدی در دانشگاه تجدید نظر نظامی  
مؤلف : جلیل بزرگمهر  
ناشر : شرکت سهامی انتشار  
چاپخانه : حیدری  
تیراژ : ۶۰۰۰ نسخه  
نوبت چاپ : اول  
تاریخ انتشار : پاییز ۱۳۶۵

**AHANGAR**  
P.O. BOX 387  
LONDON W6 3UG,  
ENGLAND, U.K.

## فهرست

مقدمه ..... ۷

### در فاصله دو دادگاه

- ۱۵ ..... يك تصادف غیر مترقبه
- ۲۱ ..... نامه‌های تبریک سال ۱۳۳۳ برای دکتر مصدق
- ۴۱ ..... در فاصله دو دادگاه
- ۷۳ ..... ویژگی‌های دو دادگاه
- ۸۷ ..... پیشگفتاری راجع به شروع رسیدگی در دادگاه تجدید نظر نظامی
- ۹۱ ..... شرح حال نویسی برای دکتر محمد مصدق
- ۹۵ ..... يك سر مقاله بانسور شده در دوره دیکتاتوری راجع به دکتر مصدق

### جلسات دادگاه تجدید نظر نظامی

- ۱۰۱ ..... نخستین جلسه دادگاه تجدید نظر نظامی
- ۱۷۳ ..... دومین جلسه دادگاه تجدید نظر نظامی
- ۱۹۹ ..... سومین جلسه دادگاه تجدید نظر نظامی
- ۲۲۵ ..... چهارمین جلسه دادگاه تجدید نظر نظامی
- ۲۴۱ ..... پنجمین جلسه دادگاه تجدید نظر نظامی
- ۲۴۵ ..... ششمین جلسه دادگاه تجدید نظر نظامی
- ۲۴۹ ..... هفتمین جلسه دادگاه تجدید نظر نظامی
- ۲۸۵ ..... هشتمین جلسه دادگاه تجدید نظر نظامی
- ۳۲۷ ..... نهمین جلسه دادگاه تجدید نظر نظامی
- ۳۴۵ ..... دهمین جلسه دادگاه تجدید نظر نظامی

- ۲۶۲ ..... یازدهمین جلسه دادگاه تجدید نظر نظامی
- ۳۸۲ ..... دوازدهمین جلسه دادگاه تجدید نظر نظامی
- ۳۹۳ ..... سیزدهمین جلسه دادگاه تجدید نظر نظامی
- ۴۰۱ ..... چهاردهمین جلسه دادگاه تجدید نظر نظامی
- ۴۱۳ ..... پانزدهمین جلسه دادگاه تجدید نظر نظامی
- ۴۲۵ ..... شانزدهمین جلسه دادگاه تجدید نظر نظامی
- ۴۳۵ ..... هفدهمین جلسه دادگاه تجدید نظر نظامی
- ۴۴۳ ..... هجدهمین جلسه دادگاه تجدید نظر نظامی
- ۴۵۵ ..... نوزدهمین جلسه دادگاه تجدید نظر نظامی
- ۴۶۲ ..... بیستین جلسه دادگاه تجدید نظر نظامی
- ۴۷۲ ..... بیست و یکمین جلسه دادگاه تجدید نظر نظامی
- ۴۸۷ ..... بیست و دومین جلسه دادگاه تجدید نظر نظامی
- ۴۹۷ ..... بیست و سومین جلسه دادگاه تجدید نظر نظامی
- ۵۰۷ ..... بیست و چهارمین جلسه دادگاه تجدید نظر نظامی
- ۵۳۱ ..... بیست و پنجمین جلسه دادگاه تجدید نظر نظامی
- ۵۴۷ ..... بیست و ششمین جلسه دادگاه تجدید نظر نظامی

### حدیث پایانی

- ۵۷۵ ..... جالیتترین و مهیج ترین جلسه نطق دکتر مصدق
- ۵۷۹ ..... سخنی دربارهٔ يك شایعه بی اساس
- ۵۸۱ ..... اگرها و مگرها
- ۵۸۴ ..... تردید در سن دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی
- ۵۸۷ ..... از هر دری سخنی
- ۵۹۱ ..... اظهار نظر آقای دکتر مصدق نسبت به اشخاص در گفتگوهای خصوصی
- ۵۹۶ ..... جریان حق الوکاله
- ۶۰۱ ..... حدیث پایانی کار دو دادگاه و نامه ۸ آبان ماه ۱۳۴۱ دکتر مصدق
- ۶۰۶ ..... فهرست نوشتجات مربوط به محاکمه دکتر مصدق در دادگاه نظامی
- ۶۰۸ ..... نوار پر شده به اقتضای اینجانب

بنام خداوند جان آفرین  
حکیم سخن در زبان آفرین

### مقدمه

دومین کتاب مربوط به محاکمه دکتر محمد مصدق در دادگاه تجدیدنظر نظامی قریب دو سال پس از انتشار کتاب اول بدست چاپ و انتشار سپرده می‌شود.

کتاب اولی در اواخر اسفندماه سال ۱۳۶۳ با تیراژ ۵۰۰۰ جلدی چاپ و عرضه شد که با استقبال بی‌نظیر هموطنان روپرو گردید و در ظرف مدتی کمتر از سه ماه دیگر اثری از آن در کتابفروشیها دیده نمی‌شد و در شهرستانها زودتر. طالبان کتاب فراوان و کتاب نایاب. در خارج از کشور به حکایت آگهی‌های منتشر شده کار به کسب و کار گرایده؛ سهل‌انگاری‌های نگفتنی یا چندگفتنی ناشر، تجدید چاپ را میسر ننمود که خود داستان تأسف انگیز دارد که فعلاً بکنریم.

در سطور زیر رویارویی موکل و وکیل و جریان یافتن رسبستگی در دادگاه تجدید نظر را با اشاره مختصر به وضع دادگاه بدوی فوق‌العاده نظامی با ذکر حوادث و وقایع و جوّ زمان توضیح می‌دهم.

در دادگاه بدوی: به دست آویز ادعای نام‌های رسوا و مسخره دادگاه تشکیل داده و دادگاه مأمور به محکوم کردن دکتر مصدق به سه سال حبس مجرد کارش را از هفدهم آبان ماه ۱۳۳۲ به کیفیاتی که در کتاب اول آمد، شروع کرد و سی‌ام آذرماه ۱۳۳۲ فاز اول مأموریت تمام شد.

دادگاه تجدیدنظر نظامی: از همان عصر روز سی‌ام آذرماه ۱۳۳۲ شروع شد رأی دادگاه بدوی فوق‌العاده نظامی به دکتر مصدق و من ابلاغ گردید چه دکتر مصدق ذنبل رأی به اعتبار لایحه فائونی خود که احکام دادگاههای بدوی نظامی را فرجام‌پذیر می‌دانست تقاضای فرجام کرد. وکلای غیر نظامی‌اش قبلاً تعیین شده و وکالتنامه‌ها به دستشان رسیده بود و به شرحی که بعدها خواهد آمد از فردای روز ابلاغ حکم محکومیت چنانچه فعالیت داشتند. لیکن در جوّ حاکم توفیق‌نیاقتند ولی چنجال راه انداختند و ماهیت صدرنشین دیوان

عالی کشور<sup>۱</sup> و زبونی او را در برابر دادستانی ارتش، بر ملا ساختند. به چه خوبی که مشروحاً خواهد آمد! کارهای مقدماتی و کالتم نیز به شرح ایضاً بنظر خوانندگان می‌رسد.

### قسمتی از عمده حوادث و وقایع و جوّ زمان

تجدید روابط ایران با دولت انگلیس: روز سی‌ام آفرماه ۱۳۳۲ اعضای سیاسی و غیر سیاسی انگلیس به سرپرستی دنیس رایت، کاردار سفارت در فرودگاه مهرآباد در غرب تهران از هواپیما پیاده شده و قدم به زمین گذاشتند و در همان روز (۳۰ آفرماه ۱۳۳۲) حکم محکومیت دکتر مصدق به سه سال حبس مجرد در سالن باشگاه لشکر ۲ زرهی در شرق تهران اعلام گردید.

تقارن تاریخ محکومیت این، با تاریخ ورود آنان را صرفاً تصادفی بیش ندانستند و عمدی در کار نبوده! هرگز.

اینها که با شعله و روشن خشم ملتی از سفارت انگلیس و از کنسولگری‌ها و آبادان رانده شده بودند، بیا کینه فروتر و انتقام ناشی از زبونی و ذلت اخراج، برگشتند.

مقدمات پیاده کردن کنسرسیوم برای تصاحب نفت ایران: غارتگران نفت دسته دسته از راه می‌رسیدند و عجله داشتند که از یکدیگر عقب نمانند. مصاحبه‌ها و دلبوزنها برای ایران و تأسف از اینکه چرا دکتر مصدق شیر نفت را بست و اینکه به ملت جفا نمود، یا سرکشی به پالایشگاه آبادان و مناطق نفتخیز که سالم و برجلا یاقی مانند بود به‌به و چه‌چه سر می‌دادند که چقدر خوب نگاهداری شده است. خسودیهای خیانت‌پیشه در جریان خود فروختن و توجیه اعمال تنگین خود دلسوزانه ناله سر می‌دادند و نتیجه می‌گرفتند که هر چه زودتر نفت بایستی به غرب جریان باید. صفحات روزنامه‌های عصر بخصوص که صاحبانشان صاحب غرض و مرض بودند سیاهکارها را توجیه می‌کردند. آنهم با چه شدتی! لاشخوران یک مرتبه به سراگز خود بخصوص به لندن که مرکز توطئه‌ها بود احضار شده و پرواز می‌کردند. جلسات متعددی برای رفع اختلاف بین خود در دستبایی به سهام بیشتر از این مانده بلاصاحب، توأم با طرح‌ریزی‌هایی برای اتحاد نظر در مورد اینکه هر چه بیشتر شیرۀ خالصتری را با حداقل هزینه اکتشاف، تولید و به‌یغما برسد و از هزینه‌های چینی مثل خانه‌سازی، بناده‌سازی، خدمات عمومی و کلیه امور رفاهی که هزینه‌های قابل توجهی را تشکیل می‌دادند و محتاج سازمان خدماتی و دست و پاگیر بودند خلاص باشند و سرریز زنده و سرریز زنده قرارداد تنظیمی آنان بین خود، نه با ما، بی‌آنکه «واوی» کم و زیاد شود مبنای اسارت قرار گرفت و نام قرارداد بر آن گذاشتند.

شتاب در تهیه مقدمات و سپس انجام سریع انتخابات مجلسین سنا و شورای ملی

برای ساخت و ساخت می‌بایستی ظاهری بیاریند، مجالس مخته تشکیل دهند تا اعمال خیانت‌بار هیئت



حاکمه توجیه شود آنها هم با ماده واحده‌ای.

شروط لازم برای کرسی‌نمینی در مجلس سنا و دوره هجدهم مجلس شورای ملی لازم به اظهار است  
۱ - داشتن سوابق معتد در نوکری خارجی (البته از نوع غربی): قبایلهایی با آن چنان سوابق مشتمل  
حق و حاضر و آماده داشتند.

۲ - غیر قبیل از میان میان سالها که در طول مدت سلطنت محمدرضا شاهی بخوبی امتحان چاکری،  
نوکری، نکاترادی، جاسوسی، نامردمی، دزدی، دغلی و دیگر رذایل اخلاقی از ایمن دست داده بودند و  
بالاخص در دوره حکومت دکتر مصدق از این جهات انگشت‌نما گردیده بودند.

۳ - جوای نام‌های دو دوزه بازی کن پنهانی در خدمت دستگاه. از میان این جماعت، روزنامه‌نویس،  
مقاله‌نویس، وکیل دادگستری زبان‌دار، زبان‌باز و قبیح هم باید وارد می‌شدند و شدند. بر این سه دسته معنوی  
وجه‌العله ظاهر الصلاح هم به عنوان نمونه‌هایی از مردان خوب! که می‌بایستی بعنوان مردان خوب و  
وطن‌پرست ارائه گردند وارد شدند. همه اینان علی‌مراتب و درجات استعدادی و طبقاتی و وظائفی مأمور  
قدح و انتقاد و خرد گیری و تیش و فحش و تاسزا و افترا و نسبت خیانت دادن به دکتر مصدق و حکومت  
مصدق مأموریت خود را انجام دهند تا در سلک خاصان بمانند، بعضی‌ها هم به صورت تعریف و تمجید از  
نهضت ملی ایران و فداکاری ملت ایران. این بحثها که ممکن بود گوشه‌ای از آن تقدیر از دکتر مصدق باشد  
شروعی بود که نفی دکتر مصدق کنند و خرده گیرند. [۱]

قرار بر این بود که مجلسین سنا و شورا در یک تاریخ افتتاح گردد.

دستور شروع انتخابات مجلس سنا ۲۳ دیماه ۱۳۳۲

دستور شروع انتخابات مجلس شورای ملی ۱۵ دیماه ۱۳۳۲

تهران: رأی گیری در انتخابات سنا دوشنبه ۱۲ بهمن ماه ۳۲ با ۱۳۶ داوطلب در تهران. [۲]  
تهران: رأی گیری در انتخابات مجلس دوره هجدهم، ۱۸ بهمن ماه ۱۳۳۲ داوطلب نمایندگی در تهران  
بی حساب.

اسامی متصدین سنا در تهران و استانها از طرف شاه را بعنوان نمونه و مرور تاریخی در صفحه  
پیوست می‌آورم.

روز بیست و هفتم اسفندماه ۱۳۳۲ افتتاح مجلسین در کاخ سنا با تشریفات خاصه برگزار شد.

ماموریت دادگاه تجدیدنظر نظامی با این اوضاع و احوال مقارن بود.

دکتر مصدق در کار تهیه و تدارک دفاع و جمع‌آوری مطالب به عادت گذشته (دادگاه بدوی که مستم  
عادت داشتیم به ردیف کردن گفته‌ها، نگفته‌ها، کم گفته‌ها، ناقص گفته‌ها، نتوان گفته‌ها که موجب سرّی شدن  
جلسات دادگاه نگردد) بی‌امان در تلاش بود. من هم در جمع‌آوری مدارک و اسناد ناظر به امر محاکمه از  
ابتدای ورود به مرحله رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر که با هشدارهای دکتر مصدق به من توأم بود یا حدائتهایی  
یرمی‌داشتیم. در جلسات رسیدگی تندنویسی می‌کردم که اینک در تنظیم کتاب دوم بر حسب موضوع و مطلب از

آن یادداشتها به صورت اختصار و به شکل زیر نویس صفحات آورده‌ام و در صورتی که اقتضای شرح بیشتر بود به صورت ضمیمه از یک صفحه تا چندین صفحه به توضیح پرداخته‌ام. بعضی اوراق و اسناد گراور گردیده تا درک روشتری از مطالب حاصل آید. یادداشت‌های دیگری یا قیامانده که در محکمه نظامی مختصر اشاراتی به آنها شده که از برخی جنبه‌ها یا این رویداد تاریخی ارتباط نزدیک دارد و تأریخ مبین ما را روشن می‌سازد. این یادداشتها را در دنباله جناسات دادگاه آورده‌ام. علاوه بر مطالب بالا، صحبت‌های خودمائی در زندان پیش می‌آمد. نسبت به اشخاص اظهار نظر می‌خواستند؛ دکتر مصدق می‌گفت: بعد در منزل یادداشت می‌کردم. در همان روزهایی که بحث روز، محاکمه دکتر مصدق بود در روز شنبه ۱۴ فروردین ۱۳۳۳ در روزنامه‌های عصر ۱۹ فروردین را خبر می‌دادند. بحث درصد سهمیه نفت شرکت‌های امریکائی بود و اردن زندان شدم عناوین روزنامه را خواندم. بی‌مقصد و سنوان و جواب، عجیب عبارتی بر زبان آورده:

ما میخواستیم قرارداد ۱۹۰۷ دور شود

حالا امریکائیها هم آمدند.

بیتگونه گفتگوها و بهر مناسبتی موضوعاتی بر زبان می‌آمد یا مطالبی به اقتضای محاکمه پیش کشیده می‌شد، من یا ساهل رد نمی‌شدم که آن یادداشتها مورد استفاده قرار گرفته مثل سیریکات عبد سائل ۱۳۳۳ به دکتر مصدق. نظرس در شرح حال نویسی، وقع سردید من، عرضه خدمت در دوره دیکتاتوری، یک مقاله سانسور شده که یا مسابقت قبل از شروع جناسات دادگاه تجدیدنظر آورده‌ام...  
مطالبی که در جانبیه به نظر می‌رسید و دارای اهمیت ویژه‌ای بود که نمی‌شد از آن گذشت با شماره‌هایی که داخل [ ] آورده‌ام به عنوان «پوست». آخر هر قسمت درج شده است تا به علت تفصیل آنها رشته سخن از دست نرود.

حق تو کوزه

از ذکر حق تو کوزه برداشتی دکتر مصدق با ذکر مینای محاسبه و میزان و نحوه برداشت غافل نماندند. و گفته‌ام در نمت الکتاب ۲مه ۸ آبان مه ۱۳۴۱ دکتر مصدق را از احمدآباد گراور کرده‌ام که در آن ضمن ذکر قسمتی از رویدادهای خدمات مرا (به نظر خودش) جمع‌بندی نموده است.  
اهدنا العبراط المستقیم گویان خدا را همیشه شاهد و ناظر دانسته‌ام و از سیرکاب این اعتقاد چراغ حقیقت قرار داد من بوده است.

بیان گرفتن کتاب توّم آخرین تماس کاری و وکالتی من با دکتر مصدق است. به نوبه حداد آثار دیگر که ارتباط با دکتر مصدق و بی‌آمدهای آن بیدار اطلاعات خود را به خونه‌بینی از مطبوعات دکتر سبانی عرضه خواهد داشت.

رسیدگی مرحله فرجامی به صورت مشروح، مندرجات کتاب سود خواهد بود و پس مجموعه نامه‌های دکتر مصدق از تبعیدگاه احمدآباد با توضیحاتی در اطراف بعضی از آن مکاتبات و مسابقتها.

تکرار مطالب دارم نه در آن حد که به اساس کارم لطمه زند. نکرار گویی هم تریافتی است از خدمت به دکتر مصدق و در خدمت مصدق. من که قبل از این اوضاع و پیش آمد و ورود در این معرکه نمرین نوشتن از این دست از امور را نداشته‌ام با امید به چاپ و عرضه به طابعان.

## بیوست شماره ۱ مقدمه

نوعی از دلسوختگی!

حاج محمد نمازی در مقام دنوزی! به مصاحبه مطبوعاتی نشت و با مخبر روزنامه کیهان بسیاری از موضوعات را به بحث کشید.

راجع به نفت که موضوع اصلی بود فرمودند:

... اجمالاً عرض می‌کنم که این یک منبع بزرگ اقتصادی کشور است و هیچ فلسفه ندارد که این منبع مهم اقتصادی بلا استفاده بماند و مردم کشور با تورم و بیخونی بسر ببرند. به عقیده این جانب باید با رعایت و احترام کامل ملی شدن نفت کوشش نمود که هر چه زودتر نفت ایران به مقدار زیاد به بازارهای جهان وارد و درآمد آن به مصرف عمران و آبادی و تقویت بنیه اقتصادی کشور برسد...

روزنامه را در اولین فرصت به دکتر مصدق ارائه دادم و با توجه به ماهیت فکری اش از ایشان پرسیدم گفتم آقا جقدر خوب نوشته! از جواب مستقیم به موضوع سر باز زد و گفت:

«نمازی در امریکا کنسول افتخاری بود نصف خانه اش تجارتخانه اش بود - شورای امنیت که رفتیم ۴ نفر از هیئت مهمان منزل اش بودند با وجود اینکه خرج آنها را دولت می‌داد خودشان را نحیل کرده بودند حتی بعضی ها سیگار می‌خرستند تنگ مهمان تن را بگردن گرفته بودند لغو کنسول افتخاری اش را به بعد از لوله‌کنشی آب شیراز گذاشتم که به خرج خودش مشغول لوله‌کنشی آب بود»

توضیح: در همان روزنامه آمده بود که لوله‌کنشی آب شیراز از سال ۱۳۲۳ شروع شده و پس از ۸ سال پایان یافته بود.

حاج محمد نمازی وزیر مشاور شد، ستانور شد، از نوع وجه‌الملعها! در مقدمه است.

## بیوست شماره ۲ مقدمه

مستخرجه از روزنامه شماره ۸۳۳۸ چهارشنبه بیست و نهم اسفندماه ۱۳۳۲

سناتورهای انتصابی اعلیحضرت همایونی: چهارده نفر از تهران

- ۱ - ابراهیم حکیمی (حکیم الملک)
- ۲ - دکتر محمد سجادی
- ۳ - شمس ملک آراه (شهاب الدوله)
- ۴ - محمد علی وارسته
- ۵ - سپهد امیر احمدی
- ۶ - سرلشکر ایرج مطبوعی
- ۷ - دکتر محمود حسابی
- ۸ - محمد عجازی (مطیع الدوله)
- ۹ - دکتر امیر اعلم
- ۱۰ - مصطفی امیر سلیمانی (مشیر السلطنه)
- ۱۱ - عبدالمهدی طباطبائی
- ۱۲ - علی حق نویس
- ۱۳ - دکتر خانبابا بیانی
- ۱۴ - ابوالفضل عضد (عضد السلطان)

سناتورهای انتصابی از شهرستانها: چهارده نفر

- |                   |                             |
|-------------------|-----------------------------|
| از خراسان         | ۱ - محسن (صدر الاشراف)      |
| از خراسان         | ۲ - حسن کفائی               |
| از آذربایجان غربی | ۳ - والاتیار (حنمت الدوله)  |
|                   | ۴ - دکتر قاسم زاده          |
| از آذربایجان شرقی | ۵ - سپهد امان الله جهانیانی |

۶- جواد یوشه‌ری (امیر همایون)

۷- حبیب‌الله آموزگار

۸- رضا دیوان بیگی

۹- آقای ابراهیم نبیل سمیعی

۱۰- یدالله دهستانی

۱۱- محبت‌تقی اسعد

۱۲- سرلشکر بقائی

۱۳- سرلشکر مجید فیروز

۱۴- محسن مهدوی

{ از قاریش

از کرمانشاه و کردستان

از گیلان

از قزوین و زنجان

از اصفهان و یزد

از همدان

از کرمان

از مازندران



قرائت حکم محکومیت دکتر مصدق در دادگاه بدوی



## یک « تصادف غیر مترقبه »!

تقارن محکومیت دکتر محمد مصدق در دادگاه نظامی و ورود انگلیسیها به ایران

عناوین حزن انگیز و عبرت خیز

در صفحه اول شماره ۸۲۱۵ مورخ اول دیماه ۱۳۳۲ روزنامه اطلاعات سرمقاله ای با عنوان «فصل تازه در روابط» نوشته شده است. در این مقاله راجع به تجدید روابط دولت ایران با دولت انگلیس مطالبی نوشته شده و لزوم تجدید رابطه و احترام به آن تأیید گردیده است. در همین صفحه عکس دادگاه بدوی فوق العاده نظامی شامل: متهمان پارکلائی مدافع پشت سرشان، صحابه و مراقبین در وسط، مرتیب حسین آزموده با دادیاران متعدد و اعضای دادگاه از صدر تا ذیل و متشیان همگی سرپا ایستاده در حال استماع رأی مشاهده می‌شوند بالای این مجموعه نوشته شده است.

دکتر مصدق به سه سال حبس مجرد و مرتب ریاحی به دو سال حبس تأدیبی محکوم شدند. در شرح واقعه می‌نویسد: در ساعت و نیم بعد از ظهر دبروز (یعنی دوشنبه سی‌ام آذر ماه ۱۳۳۲) آخرین جلسه محاکمه آقایان دکتر محمد مصدق و مرتیب ریاحی خانمه یافت و هیئت دادرسان به شور پرداخته و در ساعت نه و ربع بعد از ظهر پس از ۷ ساعت چنان رأی صادر کردند:

در کنار توضیح بالا و وزیر عکس محکمه در همان صفحه اول روزنامه اطلاعات عنوان دیگری به چشم می‌خورد:

سفارت انگلیس به کاردار جدید آن دولت تعویب شد.

چهارده نفر کارمندان سیاسی و غیر سیاسی دولت انگلیس تحت ریاست آقای دنیس آرثور ریاست کاردار موقت انگلیس سه ساعت بعد از ظهر دبروز (۳۰ آذر ماه ۱۳۳۲) وارد تهران شدند و در زیر آن، عکس دنیس ریاست در فرودگاه مهرآباد هنگامی که برای عزیمت به شهر سوار اتومبیل می‌شود گذاشته شده است و عکس دیگری از استقبال کاردار جدید انگلیس در کنار آن دیده می‌شود.

وزیر مختار سویس (حافظ منافع دولت انگلیس) و واترتری مستشار سفارت کیرای امریکا در فرودگاه مهرآباد.

اما مجله فردوسی در صفحه اول شماره ۱۱۹ سال پنجم به شنبه هشتم دیماه ۱۳۳۲ بطور دیگری و بطریقی جالب صحنه را نشان می‌دهد. در این مجله تحت عنوان خیر هفته، عکس از دکتر مصدق با لباس دادگاه و نگاهی خشمناک در طرف راست صفحه گذاشته شده با این زیرنویس:

روز دوشنبه سی آذر ساعت سه بعد از ظهر دادرسان دادگاه رسیدگی به وقایع ۲۵ تا ۲۸ مرداد وارد شور شدند (و همان شب رأی دادگاه دادر به محکومیت آقای دکتر مصدق صادر شد).

و در سمت چپ عکس دنیس ریاست با این زیرنویس به چشم می‌خورد: روز دوشنبه ۳۰ آذر ساعت سه بعد از ظهر آقای «دنیس ریاست» کاردار جدید و ۱۴ نفر کارمندان انگلیس وارد تهران شدند. (۱)

صفحه آخر مجله تحت عنوان عکس خبری در گوشه بالای صفحه عکس دربه و رودی و دیوار و پرچم

افراشته و سر در سفارت انگلیس یا شعر هفته:

روزی که بر من و شو و زد باد مهرگان      آنکه شود پدید که نامرد و مرد کیت [۲۷]

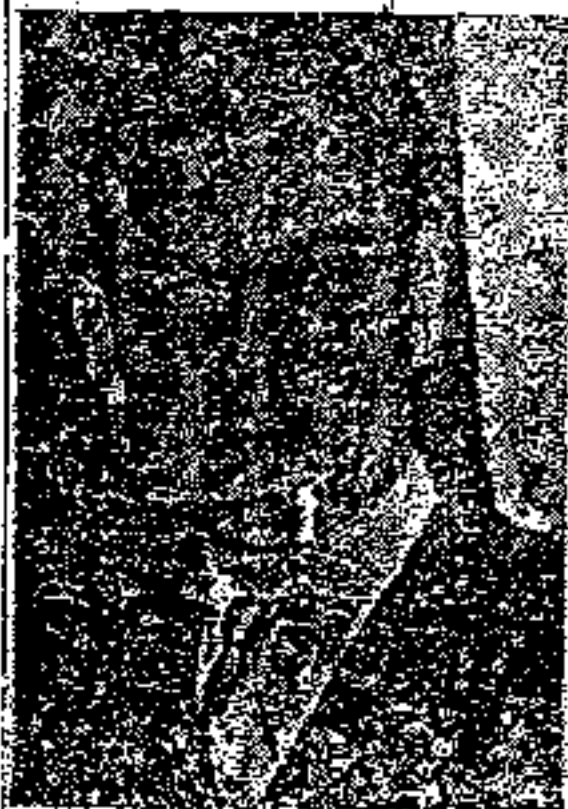
و در متن صفحه تحت عکس هفته: عکس دکتر مصدق در دادگاه گذاشته شده که دستهای چپ و راست را در طرفین دهان قرار داده و در حال فریاد و اعتراض میباشد.

نکته تقارن تاریخ محکومیت دکتر مصدق و ورود کاردار سفارت صرفاً یک امر اتفاقی میباشد! چنین

نیست!



خبر هفته :



روز دوشنبه ۳۰ آذر ساعت ۱۰  
سه بعد از ظهر آقای ودین را به  
کاروان بیهوش ۱۶ نفر کارمندان اکلین  
دزد تهران هدند  
و همان شب سلاطین اکلین را  
تعمیر گرفته شروع بنکار کردند

روز دوشنبه ۳۰ آذر ساعت  
سه بعد از ظهر دادستان دادگاه  
وسیدگی بوقایع ۲۵ تا ۲۸ مرداد دزد  
دور شدند  
ولا همان شب آقای دادگاه داور به حکومت  
آقای دکتر مصدق صادر شد

# چهارشنبه

تکنیک شیرکوبی:

شماره هفتاد:

روزی که بر من دتو وزن بلا بهرگان  
آنگاه شون پدید که نامردمردن کیست



بر چه بگارت  
از گفته در

تکنیک هفتاد :  
دکتر مصطفی درناک  
پست از سیرک





## نامه‌های تبریک سال ۱۳۳۳ برای دکتر محمد مصدق

سال ۱۳۳۳ در حال سیری شدن است معمولاً کارتها و نامه‌ها و تلگرافات تبریک در جریان مبادله و

توزیع.

به شهادت یکی از مقامات حکومتی آن روز تبریکهای فراوانی برای دکتر مصدق از داخل و خارج کشور فرستاده شده که به دستور دولت جمع‌آوری و سانور گردید تا به دست دکتر مصدق نرسند و نویسندگان آنها شناخته شوند. بطوری که همان شخص گفته بود تبریکها را روی میز هیئت دولت ریخته بودند و نداشتند کارتها و نامه‌ها حجم قابل توجهی داشته است. تعداد کمی به دست دکتر مصدق به وسیله من رسید که در زیر، لژی بعضی از آنها ذکر می‌میان می‌آید. نشانی کارتهای ارسالی و نامه‌ها مختلف بود:

باشگاه افسران که دکتر مصدق پس از معرفی خود در روز ۲۹ مرداد ۱۳۳۳ چند روزی در آنجا (خیابان سوم اسفند) توقیف بود.

پادگان قصر زندان تا آخر مدت محکومیت.

به نام پسرش دکتر غلامحسین مصدق به نشانی جنب بیمارستان نجمیه.

سلطنت آباد: زندان اولی دکتر مصدق که قسمتی از محاکمه بدوی دادگاه فوق العاده نظامی در آنجا صورت گرفت.

یا فقط یا عنوان دکتر محمد مصدق در روی پاکت به وسیله مأمورین پست به همسر یا فرزندان یا به اینجانب داده می‌شد. کارتها را به آقای دکتر مصدق ارائه داده و اظهار تعجب می‌کردم که چگونه این تبریکها را به ما رسانده‌اند؟ دکتر مصدق می‌گفت: آقا دولت غرض دارد مأمور پست که با من دشمن نیست و غرضی ندارد دولت مانع می‌شود ولی موزعین پست با حسن نیت موفق می‌شوند کارتها و کاغذها را برسانند. نامه‌های تبریک که به دست ما رسید قسطنطنیه از داخل کشور و قسمتی از کشورهای خارج بود.

### تبریکهای داخلی

کثرت چایی: با امضاء ناخوانا به آدرس زندان قصر: جناب آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر قانونی ایران

و این بیت را هم نوشته بود:

چگرم سوخت نرسوخت دل و جانم سوخت که به زندان عدو سپه چنانم سوخت

مشهد: حضرت آباد - کویچه دهنه بان (روی کارت شخصی) نوشته:

دست مبارک را می بوسم از طرف خودم و افراد فامیلم از زحمات وارده به آن پسر قائد

عظیم الشان اظهار تأسف و شرمندگی می نمایم. خداوند سایه مبارک را بر سر ما یا بنده یدارد و

ما را موفق به جاز نثاری نماید. فدوی - مهدی دیدبان

آغاچاری: عباسعلی بهادران عکاسی زیبا و عین همین کارت با اعضای بانوباقری و فرزندان از آغاچاری.

تهران: شرکت رضوانی با مسئولیت محدود قسمت بازرسی حسین رضوانی.

تهران: اکبر رضوانی مدیر روزنامه اوقات و وکیل دادگستری. نیم صفحه چایی و تیریک سئال جدید.

بروجرد: علی فطرتی - کارت تیریک چایی.

تهران: بانک ملی ایران - حبیب الله نقوی - کارت تیریک

جناب آقای دکتر محمد مصدق

خدمتگزار حقیقی ایران

سال نو را به آن شخصیت عالی بی نظیر تیریک عرض کرده سلامت و موفقیت آن جناب را از

درگاه دادار دادگر خواستاریم. ارادتمند صمیمی

حبیب الله نقوی - بانک ملی ایران

تهران: بازار، سید باقر اخوان زنجانی کارت چایی به این مضمون:

به نام خدا: سال نو را تیریک گفته امیدوارم به همت شما و همه مردم حق پرست ایران بار دیگر

آفتاب مردم ایران درخشیدن گیرد و ملت استعمار زده ایران در راه گسستن زنجیرهای استارت

و بدست آوردن شرایط زیست بهتر گامهای بلندی بردارد.

پیروز مردم ایران

و در آخر کارت با دست اضافه کرده بود: سره فدای قدمت - سید باقر اخوان زنجانی در پشت

پاکت نوشته بحضور محترم پیشگاه رهبر ارجمند حضرت آقای دکتر محمد مصدق روحی فداه

و در زیر آن با خط مدادی که به نظر می رسد خط مورخ پست باشد اضافه شده و زنده یاد رهبر

بزرگ عالیقدر معظمه

اهواز: خیابان شاهپور کاشنی ۹ روی کارت شخصی و به خط خود: سید ناصر علی - آفرینا مدیر روزنامه و

مجله شرق مجاهد چنین نوشته:

جناب آقای دکتر محمد مصدق رهبر محبوب ملی و پدر ملت ایران

پس از عرض سلام و تقدیر ارادت خائضانه در این موقع که طبیعت لباس زیبایی تازه

پوشیده می کند من از فرط خجالت و شرمساری از بی لباسی هموطنانم مراتب تأسف و تحسر

قلبی خود را بدینوسیله بحضور یگانه پدر دلسوز ملت تقدیم و امیدوارم با حسن تدبیر پدرانته آن

جناب و سایر ملت خواهان مجدداً هموطنان عزیزمان به منویات خود که همانا سعادت و ترقیات کشور است تامل آیند. استدعا دارد ادعیه خالصانه‌ام را به مناسبت تجدید سال بپذیرند. دست پدر بزرگوایم را می‌بوسم.

آغاچازی: عبدالعظیم حسینی: عکس یکی از مؤسسات نفتی آغاچازی را یا شعاری از ایران فرستاده. تهران: خیابان زاله - خیابان خورشید - کیوان زرین کفش - روی کارت شخصی و دست نوشت: با تبریک عید، سعادت و سرفرازی و موفقیت ملت ایران را تحت رهبری آن پیشوا از خداوند یکتا آرزو می‌کنم.

رفسنجان: دکتر نظری - کارت تبریک عید.

جالبترین و پراحساس‌ترین نامه‌ای بود مورخ ۲۲ اسفندماه ۱۳۳۲ از مرحوم ابوالحسن خان - اقبال آذر معروف به اقبال السلطان موسیقیدان و خواننده معروف و خوشنام اهل آذربایجان که مورد احترام همه طبقات و مردم ایران بخصوص مردم آذربایجان بود. او نامه‌ای را خطاب به فرزند دکتر مصدق به این شرح نگاشته:

۱۳۳۲/۱۲/۲۲

قربان حضور مبارکت گردهم. پس از تقدیم عرض بندگی خاطر مبارک را تصدیح می‌دهم این چساکر ابوالحسن اقبال آذر (اقبال السلطان سابق) که یکی از چاکران و جان‌نثاران جناب آقای دکتر مصدق ابوی گرام آن جناب و نایفه عظیم‌النشان بی‌نظیر این مملکت است ارادت‌های خللی ناپذیر داشته و دارم و همین قدر عرض می‌کنم و قلم و زبانم الکن است که بتوانم احساسات دزونی خود را به رشته تحریر درآورم به هر تقدیر چون وسیله نداشتم که تبریکات صمیمانه خود را در این اول سال جدید به پیشگاه مبارکشان تقدیم دارم به آن جناب توسل جسته و تنها شعری که عقلم پیش از آن قاصر بود تهیه و تقدیم داشتم استدعا از حضور مبارک دارم این قطعه شعر چاکر را به نام تبریک عید وقتی شرفیاب حضور مبارکشان می‌شوید از طرف جان‌نثار به حضور مبارکشان تقدیم فرمایید. ضمناً تبریکات صمیمانه خود را به حضور مبارک و کلیه آن فامیل جلیل بدینوسیله تقدیم می‌دارد.

جان‌نثار - ابوالحسن اقبال آذر

اما تبریک تقدیمی با خط درشت با خط مشکلی عالی

به شب‌نشینی زندانیان بزم حسرت که نقل مجلسشان دانه‌های زنجیر است<sup>۱</sup>

فدوی - ابوالحسن اقبال آذر (اقبال السلطان)<sup>۲</sup>

نامه دیگر از شخصی به نام بی - بیدار طبعی که به صورت چاپی برای افراد مختلف فرستاده و یکی از آن را هم با عنوان رهبر عالیقدر ملل استعمار زده برای جناب آقای دکتر محمد مصدق فرستاد.

۱. دکتر مصدق خواند اشک در دیده کرد، و من هنوز هر وقت این بیت را می‌خوانم و می‌بینم، می‌گرم (با نجسم قیافه روحانی اقبال السلطان). گراور شعر پیوست است.

من گارت به شرح زیر میباشد:

(همه با هم برای سر بلندی ایران) با کمال افتخار عید بزرگ ملی را به شما تبریکه عرض نموده از خدای توانا منت می‌نمایم که سال جدید پایان و ریشه‌کن شدن قدرت اهریمنی استعمار سرخ و سیاه باشد و در سال آینده نهضت مقدس ملی بار دیگر تضح گرفته تمام ایران عزیز و خاورمیانه را با شعارهای فرزان خود روشن سازد و شما ایرانی پاک تزا یکی از مؤثرترین و صمیمی‌ترین مبارزین نهضت مقدس ملی باشید. و آزادمردان ایرانی این سعادت را داشته باشند که با فدا کردن جان و مال خود در این راه مقدس ملی نهال آزادی را نیرومند سازند و ملت بت شکن ایران در راه پرافتخاری که قدم برداشته از هیچ نهراسد و نهضت مقدس خود را ادامه دهد و یقین بداند که خدا یار و مددکارش خواهد بود.

نامه‌ای دیگر از همدان به نام هادی ایرانی خیابان کاشانی منزل عینعلی ایرانی بتاريخ ۳۲/۱۱/۵<sup>۱</sup> در داخل پاکت روی کاغذی نفیس با خطی زیبا و اشعاری زیباتر چنین است:<sup>[۱]</sup>

هو القادر:

بصبر گوش نو ای دل که حق رها نکند

چنین عزیز نگینی بدست اهرمنی

هرگز به مصدق ز عدوید مرساد	یر دوست ز خصم کینه جوید مرساد
تا بود بهیچکس ازو بد نرسید	تا هست زهیچکس بدوید مرساد
شیر هم شیر بود گرچه به زنجیر بسود	نسر بد بند و قلاده شرف شیر زبان

در یک حاشیه:

ورچه از چشم نهان گردد ماه اندر میغ	نشود نبره و افروخته باتبد به میان
در حاشیه دیگر:	
گر چه بسیار پماند به نیام اندر نیغ	نشود کند او نگرده هنر تیغ نهان

تبریکهای رسیده از کشورهای خارج.

— از کربلا: دیستان حسینی ایرانیان — سید محمود صالح خلخالی و ماشاء الله رستگاران.

— از نجف اشرف: محمد باقر الایرواتی النجفی — مدرسه الفاضل الایروانی (عربی).

— از کویت: عباس آقا — علی بهبهانی.

— عراق: شعر ۲۴ بیتی به عربی در وصف دکتر مصدق در میلهزه با بیگانگان که در روزنامه‌های الحارس و دفاع و المیزان عراق چاپ و منتشر شد که عکس آن عیناً منتشر میشود.<sup>[۲]</sup>

— عراق: ۱۵ بیت شعر تحت عنوان مصدق مندرجه در روزنامه الحارس عراق بشانی: سوق الشیوخ — حاج سالم الحسون که عیناً گزاور میشود.<sup>[۳]</sup>

۲. تصور می‌رود برای استتار نشانی یا خط مفشوش و ذکر بیه الله ... مارک پست همدان ۳۲/۱۱/۱۷ بود.



— الجزایر: روحانیون الجزایر مقیم فرانسه به کاشانی و زاهدی مورخ ۱۱ ژانویه ۱۹۵۴ در سلامت از اینکه دکتر مصدق را بازداشت و به محاکمه کشیده‌اند.

— مصر: مصطفی وکیل دادگستری مقیم قاهره — تجلیل از آزادیخواهی دکتر مصدق به زبان فرانسه، به شرح ترجمه زیر:

دکتر محمد مصدق

مردم آزاد تمامی کشورها به وفاداری شما نسبت به میهنتان عقیده دارند و شما را به عنوان بزرگترین نمونه میهن‌دوستی ارزش می‌دهند. ما از خدا خواهانیم که به شما پیروزی عنایت فرماید.  
ما حاضریم که افتخار دفاع از شما را داشته باشیم.

مصطفی فهمی

وکیل دادگستری و عضو هیئت دانشکده حقوق قاهره در تهران ۱۹۵۲<sup>۵۱</sup>

— سوئیس: سوم ژانویه ۱۹۵۴ از طرف شخصی به نام *Morcel Rouiller* تجلیل از شهامت و شرافت دکتر مصدق و آرزوی سلامتی و آزادی او.

— اعلامیه دانشجویان مقیم اروپا به فارسی در جاتبداری از دکتر مصدق و نهضت ملی ایران که در تاریخ ۱۹۵۳/۱۱/۱۸ به تهران رسید.

— نیوجرسی: جیم پی شویب نام. شرح حال نویس حرفه‌ای رجال و زمامداران. او از دکتر مصدق تقاضا کرده بود که معتقدات مذهبی خود و به چه چیز اعتقاد دارد را برای او بنویسد که در کتاب آتی خود که تألیف خواهد کرد منعکس کند.

— از شهر سیاتل امریکا: شخصی به نام *M. Ashkroger* کارگری در شهر مزبور می‌گوید: که با هدایت خداوند متعال وظایف خود را خوب انجام داده‌اید با آرزوی سعادت و سلامت. کلمبو میلان: بنام *S. Kadiresan* [۶]

— از شهر کوردوا از جمهوری آرژانتین: آقای ۱- ۲- ۳- بوسو- گوستا روزنامه‌نویس به آدرس: خیابان شماره ۱۷۷ - دارته مورخ ۹ نوامبر ۱۹۵۳- ضمن شرحی از پیشوای آرژانتین به نام همی پولی نو- ای - ری کوزن - که به دفاع از حقوق ملت آرژانتین مخصوصاً در مورد نفت به پاخاسته بود ولی خارجیها او را زمین زدند و کشتند و مقابسه تر- زندگی: در- نشان با دکتر مصدق به تصویر- بین که ذهن نصرت روش‌شور در تصمیمات خود اشتباه رواندارند. به شرح ضمایم<sup>۲</sup>

— فرانسه: دوشیز: مائی ته ناهود *Melle-mai - Ténahom* به آدرس:

*Licée Barville Moulins Allier France*

مورخ اول ژانویه ۱۹۵۴ یا شرح و بیان آزادی و تحسین از افکار دکتر مصدق

— ایتالیا: از شهر دونیو — برگامو به زبان فرانسه به نام: *Docteur André Fieschi*

ترجمه آن در زیر می‌آید:

آقای مصدق

عالیجناب از جنابعالی تقاضا دارد لطف فرموده مراتب تقدیس اینجناب را نسبت به شخص خود و نسبت به اقدامات حکومت خویش بپذیرید. در این زمان سخت که نه تنها هدف شما بلکه شخص خود شما در خطر ناپودی قرار دارد من احساس می‌کنم که یک ضرورت انسانی قلب مرا، زبان مرا و قلم مرا وادار می‌سازد که علاقه مخصوص خود و میلیونها ایتالیایی را نسبت به عظمت سیاست و جسارت و رفتار شما در برابر دادگاهی که می‌خواهد شما را محکوم نماید ابراز دارم. من گفته‌ام میلیونها ایتالیایی وجود دارند که از نام شما تجلیل می‌کنند عالیجناب من به همین نحو. زیرا در این روزها در روزنامه‌های آزادیخواه کشور من عکس شما به طور روشن وجود دارد و به همه مردم نجات قابل احترام سیاسی شما را نشان می‌دهد و میلیونها خواننده با اضطراب در ستونهای این روزنامه‌ها مراحل محاکمه شما را تعقیب می‌کنند. محاکمه شما جریان دارد به کجا خواهد انجامید. من به شما می‌گویم که شما پیروز شده‌اید. آقای دکتر شما پیروز شده‌اید. در روح ایرانیان واقعی درست به همان نحو که در روح ایتالیایی‌های واقعی و آزادیخواهان واقعی در سراسر جهان. من به شما اطمینان می‌دهم که هرگز شما را فراموش نخواهم کرد و اگر روزی بتوانم صدای خود را به اطراف خود برسانم شما را آقای مصدق به صورت یک قهرمان پیشوای ترقی و آزادی و اتحاد ملی ایران نشان خواهد داد. (۸)

— از تردام هتند: دوم دسامبر ۱۹۵۳ تریک سال نو از طرف آقای *P.A. Vonk* با تجلیل از افکار دکتر مصدق.

— از امریکا: مؤسسه جهانگردی بنام *Colonial Tourist Court* تریک سال نو.

— سن لوئیز میسوری: مورخ ۵ دسامبر ۱۹۵۳ از کتابخانه *Cyril Chemens* تجلیل از دکتر مصدق در دو کارت

یکسان و متوالی.

— از انگلیس: کارت تریک استوکس<sup>۴</sup> (۹)

— آلمان: کارت تریک دکتر شاخت مرد برجسته امور اقتصادی در حکومت آلمان نازی (هینلر) که در سال

۱۳۳۱ بنابر دعوت دکتر مصدق برای مشاوره در باره امور اقتصادی کشور به تهران آمده بود.<sup>۵</sup>

۴. استوکس مهربار سلطنتی انگلستان در کابینه کارگری انگلیس هنگام ملی شدن صنعت نفت بود که پس از تصویب قانون

اجرائی ملی شدن صنعت نفت و خلعید از شرکت نفت انگلیس و ایران در رأس هیئتی به تهران آمد (تیرماه ۱۳۳۰) سفارت

عزیمت او هیئتی نیز از طرف دولت امریکا به ریاست اورن هرین به تهران آمد و پس از مذاکرات این دو هیئت با نمایندگان

دولت ایران و شخص دکتر مصدق دولت انگلیس اصلی ملی شدن صنعت نفت را به رسمیت شناخت و پیروزی بزرگی نصیب

ملت ایران گردید و بعد از بازگشت این دو هیئت از تهران مبارزه تهنیت ملی وارد مرحله جدیدی گردید.

۵. کارت تریک و پاکت آن (۱۰)

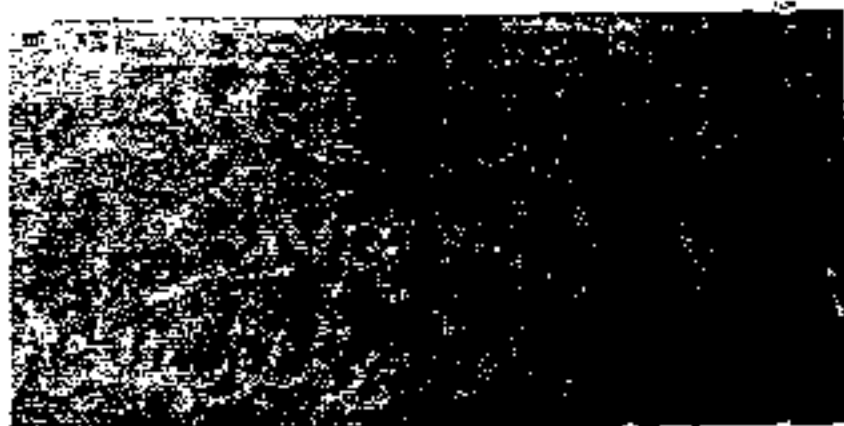
نامه‌های تبریک

پیوست شماره ۱

بیش‌شیشی زرد اینان بر م‌حسرت  
که نقل مجام‌ساک واره نامی ربح‌است  
قدوی ابو الحسن اقبال آفر  
اقبال ۱۳۵۷



## مصاحفة



في المضيلات ولم يخنك المنطق  
لولاك تنمو في البلاد وتورق  
صرا وفيرك لو حياها بشرق  
في الشرق حكم للإجاب مطلق  
لأرادة المستعمرين غلس

أصدق بكفك انك لم تكن  
كافحت للمستعمرين مطامياً  
وشريت من غير العقيدة الكؤماً  
لقدت لفظة الدين بجمع  
وجرت مالمية الدين بجرم

فتحت لأجلك كل باب بطرق  
حيث مكابها بها تنفق  
تيا وفي عدم الحيا تمنطق  
في خيبة العقبا وانت موفق  
فيها نظمالا نهبها للتألق

حيث ماسة (لندن) ودعائها  
وقد اتت لمسلم المعدل التي  
بالتك ترفل في فلاة مكرها  
لاونها فلويتها وتراجت  
وهزمتها في المسنق عر هزيمة

مكسفة الاقصادار مايلفق  
تفلاك عن معني البسالة تنطق  
رأمو التمرد للمواطن منلق  
اترابه دون الطامع يدلق  
ان طاب غر او تجراً احق  
حاج عالم الحسون

ارح الضمير فلتت لولا منقذ  
موسجل التاريخ الصع صفة  
وع منصب الحكم الذي هو للال  
واذهب تي الثوب لا كموالك في  
ملشر مجدك والاباء بحومه  
سوق القيوخ

الشرق لم یجب سواك زعیما  
علت فی الشرق الشعوب وزیما  
وسطا علیه الغرب حتی سامه  
وتأهب المتعمرون كمنوزة  
تأرت على المتعمرین شعوبه  
وهنا فی أقصى الشارق امة  
نفت الی سوح الكفاح وظن

وسی الصلح تلید القرون عظیما  
هنا بلد الشرق عامس نصیما  
هنگاه از آذ قیوده تحکیم  
سبها وظل علی السقاء مقیما  
وآیت لهم بحقوق التسلیم  
فکهدعت او کاهم منه سیمما  
ما للعدو من القوی عظیما

واذا نظرت الی بیوردك نظرة  
ابن التجهت رأیت شعبا باکبا  
یظن علی التخصی لبطون مقیما  
ما بین کفیه العنی لکنه  
بجری المضار علی تراه جدا ولو  
والشعب ورح الشعب من صرمانه

تدیج الصواذ من لیسى مخلوفا  
متألما من بؤسه مظلوما  
وعذابه بالجوع کانت الیما  
ما زال من لهذا العنی محروما  
من یأ یعب الذهبی نعیمما  
فی یلیری کل النعیم جمیما

اصطفی البطل المناضل انت من  
رضیتهم عن موطن ترکوا به  
هتفت لك الدنيا وخصق اهلا  
ماذا یضربك ان وقعت بموقف  
وعلیک بالحکم الطغاة تو اطوا  
فلانت ارفع من حضورک رتبة  
کانوا اللثام لدی الحضرة کلهم  
جهاد لکنم فنلکوا وخصقهم  
ودحضت احوال الکل ان یمنطق  
وهتکت من اسرارهم ما یستوا  
لذکر من یوم یكون حسابهم

قامت افکار العید انقلیما  
کل الحصاد وغادره هکما  
لناضل وبه اهتضوا تعظیما  
سکن الحصرم به علیک هجوما  
وابواسوی ان یظهورک ایما  
ان ها کما کنت اصعبت او تحکوما  
الی علیک وکنت انت کبریما  
فوجهدتهم لایملصن خصوما  
فیه دمعت المناطل المزموما  
وهتکت ایف ریسهم نعیمما  
فیه شهیدا والعقاب عظیما

لسا عراقي معروف : الی زعم ایران : الدكتور محمد مصدق